

## بررسی تدابیر تأمینی در حقوق جزای افغانستان

عبدالکریم اسکندری<sup>۱</sup>

### چکیده

تدابیر تأمینی عبارت از اقداماتی است که از سوی محکمه به منظور اصلاح و بازپروری مجرم و جلوگیری از تکرار جرم و با در نظر داشت حالت خطرناک، اتخاذ می‌گردد. این تدابیر هرچند در آغاز به منظور پیشگیری از جرم و به‌عنوان جایگزین مجازات تأسیس شد؛ اما امروزه نوعی از جزاهای ارفاقی است که بعد از وقوع جرم توسط دستگاه عدلی و قضایی نسبت به مجرمان دارای حالت خطرناک اتخاذ و اعمال می‌گردد. تدابیر تأمینی با توجه به ماهیت دوگانه که دارد (جنبه پیشگیرانه و اربابی) با سایر واکنش‌های اجتماعی هم شباهت‌های دارد و هم امتیازاتی. قانون‌گذار افغانستان در موارد متعدد از قانون جزای سابق و کد جزای احکام مربوط به تدابیر تأمینی را پیش‌بینی کرده است و هدف از ایجاد آن را تربیت و اصلاح متهم یا محکوم، انطباق مجدد وی با حیات اجتماعی و جلوگیری از وقوع و تکرار جرم با نظر داشت حالت خطرناک بودن دانسته است. قلمرو اقدامات تأمینی گسترده بوده و طیف وسیعی از تدابیر را شامل می‌شود؛ از تدابیر سلب‌کننده آزادی گرفته تا تدابیر محدود‌کننده آزادی و تدابیر سلب‌کننده حقوق و تدابیر اقتصادی. در تحقیق پیش‌رو، تعریف و ماهیت تدابیر تأمینی، اهداف، شرایط تطبیق و موارد آن را از منظر قانون جزای افغانستان بررسی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** اقدامات تأمینی، مجرم خطرناک، مجرم سزاوار حمایت، درمان مجرم،

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی العالمیه، غزنی افغانستان.

## مقدمه

مقصود از تدابیر یا اقدامات تأمینی برخورد اصلاحی با مجرمین به عادت یا خطرناک یا مجرمینی است که نیاز به حمایت دارند. در واقع اقدامات تأمینی، مجازات محسوب نمی‌شود و هدف از آن‌ها حمایت، تربیت، درمان و مراقبت است که درباره مجرمین ولگرد یا به عادت یا متکدیان یا مجانین یا صغار اعمال می‌شود. این دسته از اقدامات معمولاً اصلاحی می‌باشند. نگهداری افراد مزبور در شفاخانه‌ها، تبعیدگاه‌ها، کارگاه‌های صنعتی، مراکز بازپروری یا کانون‌های اصلاح و تربیت است. تدابیر تأمینی که برخی به اقدامات امنیتی نیز تعبیر می‌کند، نوع جدیدی از واکنش علیه پدیده‌ای مجرمانه است. این رویکرد برای جایگزینی مجازات به وجود آمد. «هدف اقدامات تأمینی عمدتاً پیشگیری است و اگرچه بعضی از آن‌ها عملاً دارای آثار ارعاب‌انگیزی هستند، ولی به هیچ وجه، اهداف سزادهی و ارعابی را دنبال نمی‌کنند». اقدامات تأمینی مفهوم و رویکرد واکنشی است که از تفکر مکتب تحقیقی و دفاع اجتماعی ناشی می‌شود، ولی مکاتب کلاسیک جدید نیز آن را نادیده نگرفته است. مفهوم یاد شده یکی از نقطه‌های تمایز کلاسیک‌ها با تفکر اثباتی و دفاع اجتماعی است. اقدامات تأمینی از یک طرف با حالت خطرناکی و از جهت دیگر با جبری بودن ارتکاب جرم رابطه‌ای نزدیک دارد. به گونه‌ای که طرفداران جبری بودن ارتکاب جرم عقیده دارند، مجرم در عمل مجرمانه خویش آزادی ندارد و حالت خطرناکی آن‌ها بر اساس علل مختلف به میان می‌آید. بنابراین مجازات برای مجرمان کار نامعقولی به نظر می‌آید و باید از اقدامات تأمینی کار گرفت. مجازات دفاع جامعه را تأمین نمی‌کند، باید برای جلوگیری از زیان حالت خطرناک تدابیری اندیشید. این تدابیر را اقدامات تأمینی می‌نامند. قبول اقدامات تأمینی در حقوق جزای مدرن به علت این بود که در طی قرن نوزدهم، مکتب نیوکلاسیک در مبارزه با جرائم به طور کلی و تکرار جرم خاصاً با شکست مواجه شد. تجربه نشان داد که پاره‌ای از مجرمان به عادت و بیماران روحی از درک واقعیت مجازات عاجزند و اثر ارعابی آن را احساس نمی‌کنند و به همین جهت به فعالیت مجرمانه خود ادامه می‌دهند. لذا



باید تدابیری سنجید و جامعه را در مقابل این گونه حالت‌های خطرناک، حفظ کرد. حفظ و صیانت جامعه در مقابل وضعیت‌های خطرناک به اقداماتی نیاز دارد که در اصطلاح حقوق جزا به تدابیری تأمینی مشهور است. با توجه به ویژگی‌ها و مبانی تدابیر تأمینی می‌توان گفتگ اقدامات تأمینی عبارت است از تدابیر واکنشی توسط دستگاه عدلی و قضایی برای ارائه پاسخ مناسب با حالت خطرناکی افراد (مظنون، متهم و مجرم) با استفاده از دوسیه شخصیت مجرم یا نشانه‌های حالت خطرناکی و با توجه به سطح حالت خطرناکی او به منظور درمان و اصلاح مجرم و دفاع از جامعه. بدین ترتیب تدابیر تأمینی با فردی کردن مجرم نیز رابطه دارد؛ زیرا فردی کردن مجرم تنوع اقدامات تأمینی را می‌طلبد تا برای مجرم خاص واکنش مناسبی اعمال گردد.

تحقیق پیش رو در تلاش است که تدابیر تأمینی را از منظر حقوق جزای افغانستان مورد تحلیل و بررسی قرار دهد و به این سؤالات پاسخ دهد که آیا تدابیر تأمینی نوعی اصلاح و درمان است یا مجازات؟ سیاست جزای قانون‌گذار افغانستان در مورد تدابیر تأمینی چیست و چه تعریف از تدابیر تأمینی و ماهیت آن در کد جزای افغانستان ارائه شده و قواعد عمومی حاکم بر تدابیر تأمینی و شرایط اجرای آن چیست؟ پاسخ به سؤالات فوق، ایجاب می‌کند که در ابتدا دیدگاه‌های متفاوت در مورد تدابیر تأمینی، تفاوت‌ها و شباهت‌های تدابیر تأمینی با مجازات بررسی گردد و سپس تعریف تدابیر تأمینی، اصول حاکم بر آن و شرایط تطبیق تدابیر تأمینی از منظر کد جزای افغانستان بررسی شود.

### ۱. رویکردهای متفاوت در مورد تدابیر تأمینی

اصطلاح تدابیر تأمینی از نظر حقوقی، تدابیری است که برای مقابله با حالت خطرناک بزهکار به موجب حکم دادگاه اتخاذ می‌شود، ولی امروزه این اقدامات نوعی مجازات به حساب می‌آید و غالباً مصادیق این اقدامات مانند حبس یا جزای نقدی یا اقامت در محل معین، بخشی از مجازات و واکنش‌های جزایی است. به همین لحاظ هرچند

اصل تدابیر تأمینی در حقوق جزا مورد اتفاق است؛ اما تمایل اقدامات تأمینی به سمت مجازات به حدی است که در مورد ماهیت اقدامات تأمینی امروزه دیدگاه‌های کاملاً مخالفی بروز کرده است. هریک از دیدگاه‌های موجود به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۱-۱. دیدگاه اثبات‌گراها<sup>۱</sup>

طرفداران مکتب تحقیقی- اثباتی، معتقدند که عصر مجازات سپری شده و اقدامات تأمینی باید جانشین آن شود. مجازات باید مبتنی بر اراده آزاد، مسئولیت اخلاقی و تناسب جرم باشد و تمامی این مفاهیم اعتبار خود را از دست داده است. در آینده باید با وسیله علمی که مبتنی بر واقعیت و فایده اجتماعی باشد دفاع از جامعه و ارزش‌ها تأمین گردد و این وسیله، همان تدابیر تأمینی است. آموزه تحقیقی (اثباتی) عمدتاً دو دستاورد مهم داشته است: اولاً با تأکید بر شخصیت مجرم و با پافشاری بر این که هر مجرمی به لحاظ شخصیتش، باید تحت سیاست جنایی خاصی قرار داده شود. ثانیاً اثباتیون با پیشنهاد این موضوع که مفهوم «اقدام تأمینی» جایگزین مفهوم جزا شود، اگرچه موفقیت کاملی به دست نیاوردند؛ اما در عین حال تدریجاً به گسترش مفهوم اصلاح و درمان کمک کرده‌اند. (پی ناتل، ۱۳۴۵: ۱۰۲)

### ۱-۲. دیدگاه مکتب نیوکلاسیک‌ها

در مقابل نظریه اثباتیون دیدگاه نیوکلاسیک‌ها قرار دارد. پیروان این مکتب خود را ملتزم به اصل آزادی اراده انسان، مسئولیت اخلاقی و تناسب جرم و مجازات، می‌دانند. لذا مبارزه اصلی با جرم را مجازات دانسته و به کارگیری اقدامات تأمینی را استثنایی و در مورد مجرمان خطرناک (مرتکبین تکرار جرم) و مجرمان به عادت و بیماران روحی- روانی، تجویز می‌نمایند.

### ۱-۳. دیدگاه تلفیقی

مطابق این نظریه، اقدامات تأمینی غیر از مجازات است و از نظر شرایط و ماهیت با

۱. به طرفداران مکتب تحقیقی اثباتی، اثباتیون یا اثبات‌گراها اطلاق می‌شود.



یکدیگر تفاوت دارد؛ اما مجازات و اقدامات تأمینی در کنار هم و با شرایط خاص در حقوق جزا برای مبارزه با جرم به کار می‌رود. این نظریه که از آن به دیدگاه حد وسط نیز تعبیر می‌شود، امروزه مورد پذیرش اغلب قوانین جزای کشورها قرار گرفته و عملاً هم اقدامات تأمینی و هم مجازات برای مبارزه با مجرمان مورد استفاده قرار می‌گیرد و اتحادیه بین‌المللی حقوق جزا نیز همین نظریه را قبول کرده است. برخی از اثبات‌گراها از جمله «فری» نیز در کنگره بین‌المللی حقوق جزا در بروکسل در سال ۱۹۲۴ از همین نظریه جانب‌داری کرده است. (باهری، ۱۳۸۰: ۴۹۵)

## ۲. تفاوت‌های اقدامات تأمینی با مجازات

با توجه به دیدگاه سوم در مورد اقدامات تأمینی، مشخص می‌شود که تدابیر تأمینی با مجازات از جهاتی متمایز است و در برخی از ویژگی‌ها با هم مشترک هستند. اینک تفاوت‌های مجازات و تدابیر تأمینی به صورت مختصر ارزیابی می‌گردد.

### ۱-۲. تفاوت در هدف

مجازات در واقع رنج و آزاری است که مجرم از آن متأثر و متألم می‌گردد. به همین دلیل با وجود مخالفت‌های فراوان صاحب‌نظران و حقوق‌دانان با مجازات سخت بدنی، مانند قطع اعضا و اعدام، هنوز جنبه هراس‌انگیزی و خوارکنندگی مجازات‌ها، جایگاه خود را حفظ کرده است؛ اما اقدامات تأمینی این ویژگی را ندارد. شخصی که در مورد وی تدابیر تأمینی اتخاذ می‌شود، در معرض رنج و آزاری که موجب رنجش وی شود، قرار نمی‌گیرد یا حداقل مرارت و رنج ناشی از تدابیر تأمینی به پایه رنج و سختی مجازات نمی‌رسد. بنابراین در اقدامات تأمینی ابعاد هراس‌انگیزی و ارباب به‌طور اصولی مطرح نیست و جنبه درمانی و اصلاحی آن مورد توجه است یا بهتر است گفته شود که این جنبه بر ابعاد دیگر غلبه دارد؛ زیرا هر قدر هم که از این اقدامات هراس‌زدایی و ارباب‌زدایی شود، هنوز نوعی نگرانی و هراس در مرتکب جرم و نزدیکان او وجود خواهد داشت، ولی می‌توان گفت این ابعاد مورد توجه نبوده و اصالت ندارد. (ر.ک. ابو عامر، ۱۹۹۲: ۴۱۶) البته در عمل دیده می‌شود که

پاره‌ای از اقدامات تأمینی نظیر تدابیر تأمینی سالب آزادی یا محدود کننده آزادی واجد خصوصیات رنج‌آور مجازات‌ها بوده و مؤسساتی که این قبیل تدابیر در آن‌ها به اجرا گذاشته می‌شود، مشابه مؤسسات زندان است. (صالحی، ۱۳۹۲: ۱۷۰)

## ۲-۲. تفاوت در زمان

مجازات ناظر به گذشته و به جرمی توجه دارد که انجام شده، قانون و نظم جامعه را بر هم زده است. به عبارت دیگر، مجازات در واقع واکنش اجتماعی در برابر رفتاری است که به هنجارها و نورم‌های اجتماعی تعدی کرده است؛ اما اقدامات تأمینی ناظر به آینده و بیشتر متمرکز بر اصلاح شخصی است که حالت خطرناک از خود بروز داده است و هدف از اتخاذ اقدامات تأمینی این است که در آینده ضرری از ناحیه این فرد متوجه جامعه نشود. بنابراین اعمال هر نوع مجازاتی اصولاً «پس از وقوع جرم» است و قبل از ارتکاب جرم، اعمال هیچ مجازاتی تجویز نشده است. اقدامات تأمینی نیز گرچه نوعاً پس از وقوع جرم و برای جلوگیری از تکرار جرم، اعمال می‌شوند؛ اما در موارد خاصی اتخاذ تدابیر تأمینی تحت شرایط قانونی، «قبل از وقوع جرم» تجویز شده است.

## ۲-۳. تفاوت در مسئولیت جزایی

در تحمیل و تعیین مجازات‌ها «مسئولیت اخلاقی مجرم» نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین قبل از تعیین میزان مجازات، مفاهیمی مانند مسئولیت جزای، عنصر روانی، قصد مجرمانه، علم به قانون و مانند آن‌ها مطرح بوده و در صورتی که مرتکب جرم فاقد مسئولیت کیفری باشد، مانند اطفال و مجانین، تعیین مجازات منتفی خواهد بود. هم‌چنین داشتن سوءنیت خاص یا عام و وجود تقصیر جزایی یا فقدان آن‌ها، هر یک می‌تواند در میزان مجازات مؤثر باشد. در حالی که در اقدامات تأمینی «مسئولیت اخلاقی» نقشی ندارد و اصولاً این اقدامات فاقد «شائبه اخلاقی» بوده و به جای آن به «حالت خطرناک» توجه می‌شود و با بروز علائم و نشان‌های خاصی از طرف شخص اتخاذ و اعمال آن را ایجاب می‌کند. در نتیجه تعیین اعمال آن‌ها در مورد اشخاص فاقد



مسئولیت کیفری، مانند اطفال یا کسانی که فاقد قوه تمییز و تشخیصند یا در ارتکاب فعل مجرمانه سوءنیتی ندارند، نیز معقول و بلکه ضروری خواهد بود. چنان که رویه قضایی کشورها از جمله فرانسه بر این عمل صحه گذاشته است. (النبراوی، ۱۹۹۵: ۵۰۰)

#### ۴-۲. تفاوت در کمیت و کیفیت

میزان مجازات عمداً بر حسب سنگینی جرم انجام یافته تعیین می شود و بر اساس «اصل تساوی» که شخصیت بزهکار در میزان مجازات تأثیری ندارد، مگر موارد خاصی که مطابق قانون تشدید یا تخفیف مجازات تجویز شده است؛ مانند تکرار و تعدد جرم یا شرایط و اوضاع و احوالی که جرم تحت تأثیر آن‌ها واقع شده است. در تعیین مجازات باید قاضی هنگام صدور حکم اصل تناسب را رعایت نماید، ولی در تدابیر تأمینی، ملاک اصلی در تعیین مدت و میزان آن، «درجه خطرناکی» شخص است، شبیه مدت معالجه که داکتر برای بیمار تعیین می کند که ناظر بر وضعیت بیماری او است نه شخصیت بیمار. بنابراین پس از رفع «حالت خطرناک»، ادامه اقدامات تأمینی بیهوده خواهد بود. (رهامی، ۱۳۹۲: ۴۵) چنانکه قبل از بهبودی و رفع حالت خطرناک، رها ساختن کسی که دارای حالت خطرناک است، خلاف مصالح عمومی و سیاست جزایی است.

#### ۵-۲. تفاوت در تجدید پذیری

مجازات‌ها به طور اصولی پس از طی مراحل، قطعیت می یابد و پس از آن تا خاتمه مجازات نمی توان حکم قطعیت یافته را تغییر داد، مگر در وضعیت‌های خاصی مانند عفو و آزادی مشروط؛ اما در اقدامات تأمینی، بر حسب وضعیت مجرم، امکان تجدید نظر، قطع یا تغییر تدبیری که مورد حکم واقع شده، وجود خواهد داشت. چه بسا لازم باشد تدبیر تأمینی مورد حکم، موجب تشدید «حالت خطرناک» مجرم گردد. در این صورت باید سریعاً نسبت به قطع تدبیر تأمینی مذکور و اتخاذ تصمیم دیگری اقدام کرد. این امر به خصوص در مورد اطفال و نوجوانان مجرم حائز اهمیت



فراوان است و عدم توجه و نظارت دقیق در اعمال تدابیر اصلاحی و تربیتی نسبت به آنان، موجب صدمات جسمی و روانی فراوان شده و نوعاً اطفال را در معرض لغزش‌های بزرگ‌تر قرار می‌دهد و از آن‌ها جنایتکاران خطرناکی خواهد ساخت که نمونه‌های فراوان آن، همه روزه در سطح جامعه مشاهده می‌شود. نوجوانانی که به دلیل ارتکاب جرم خفیفی، مدتی در محلات سلب آزادی قرار گرفته‌اند، بعضاً به مجرمین حرفه‌ و بی‌عاطفه تبدیل گشته‌اند. (ر.ک. علی‌آبادی، ۱۳۹۳: ۴۸۲)

### ۳. مشترکات اقدامات تأمینی و مجازات

با توجه به این‌که مجازات و اقدامات تأمینی هدف واحدی را دنبال می‌کند که همان مبارزه با جرم باشد، واجد ویژگی‌های مشترکی نیز است. به هریک از مختصات مشترک آن دو به‌طور مختصر اشاره می‌گردد:

#### ۳-۱. اشتراک در موضوع

موضوع تدابیر تأمینی و مجازات، منافع، حقوق و امتیازاتی است که بر اثر هریک محدود می‌گردد. منافع می‌تواند مالی باشد یا حقوق و آزادی‌های افراد مانند تدابیر سلب‌کننده یا محدود‌کننده آزادی یا تدابیر مالی و اقتصادی باشد.

#### ۳-۲. مسبوق بر وقوع جرم

اتخاذ تدابیر تأمینی و مجازات، مسبوق بر وقوع جرم است؛ یعنی هر دو در جای حکم می‌شود که جرمی به وقوع پیوسته باشد. از همین رو، قانون‌گذار در فقره (۱) از ماده ۱۸۵ کد جزا: «مقرر می‌دارد: محکمه وقتی به تدابیر تأمینی پیش‌بینی شده این قانون حکم می‌نماید که ثابت گردد محکوم‌علیه مرتکب عملی گردیده است که به حکم قانون جرم شناخته شده و حالت متهم یا محکوم‌علیه، بر منافع و مصالح اجتماع، خطر پنداشته شود». همین خصوصیت است که اقدامات تأمینی را از اقدامات اداری و پلیسی متمایز می‌سازد؛ زیرا اقدامات اداری در مورد تخلفات اداری و انضباطی است و تدابیری پلیسی نیز قبل از وقوع جرم و به‌منظور جلوگیری از آن اتخاذ می‌گردد، در حالی که تدابیر تأمینی بعد از وقوع جرم و با هدف جلوگیری از



تکرار جرم به کار برده می شود.

### ۳-۳. حکم قضایی

اعمال مجازات و اقدامات تأمینی هر دو نیازمند فرایند قضایی و تصمیم محکمه است؛ یعنی بعد از رسیدگی و محاکمه که ضمن آن متهم از خود دفاع می کند و تمام معیارهای محاکمه عادلانه رعایت می گردد، اتخاذ می شود. (آنسل، ۱۳۷۵: ۲۳۵) البته این مورد را نمی توان جنبه اشتراکی مجازات و اقدامات تأمینی دانست؛ زیرا در مواردی، پلیس و سارنوالی هم می توانند در قبال مظنون یا متهم، تدابیری احتیاطی اتخاذ نمایند.

### ۴. تدابیر تأمینی در حقوق جزای افغانستان

قانون گذار مباحث مربوط به تدابیر تأمینی را در پنج محور بیان نموده است. بخش اول آن مربوط به مباحث عمومی تدابیر است از قبیل تعریف تدابیر، اهداف تدابیر، موارد تدابیر و انواع تدابیر تأمینی.

#### ۴-۱. تعریف تدابیر تأمینی و هدف از تأسیس آن

قانون گذار افغانستان در ماده ۱۸۴ کد جزا به تعریف تدابیر و فلسفه تأسیس آن پرداخته است:

تدابیر تأمینی عبارت از اقداماتی است که از طرف محکمه ذیصلاح، جهت تربیت یا اصلاح متهم یا محکوم، انطباق مجدد وی به حیات اجتماعی یا جلوگیری از وقوع و تکرار جرم با نظر داشت حالت خطرناک بودن متهم یا محکوم اتخاذ و در فیصله ذکر می گردد.

تعریف تدابیر تأمینی، بیان اهداف و مبانی آن از نوآوری های کد جزا است. قانون جزای سابق و هم چنین قانون اجراءات جزای از انواع و موارد تدابیر بحث کرده بود؛ اما بدون آن که تدابیر را تعریف و اهداف و ضرورت آن را بیان نماید. قانون گذار در ماده فوق الذکر تدابیر تأمینی را سلسله اقداماتی دانسته است که از سوی محکمه صلاحیت دار به منظور اصلاح متهم یا محکوم، تربیت و بازپروری وی و جلوگیری



از تکرار جرم و با در نظر داشت حالت خطرناک اتخاذ می‌گردد. محققان معتقدند که تدابیر تأمینی از حقوق فرانسه وارد حقوق موضوعه شده است. این نهاد حقوقی ترجمه اصطلاح فرانسوی *Les mesures de surete* بوده که به معنای تدابیر تأمینی است. (رهامی، ۱۳۹۲: ۲) نویسندگان عرب‌زبان اقدامات تأمینی و تربیتی را تحت عنوان «التدابیر الاحترازیه» مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و تعاریفی که از این تدابیر ارائه کرده‌اند، چندان تفاوتی با نویسندگان کتب حقوقی فارسی ندارد. (ر.ک. ابوعامر، بی تا: ۱۵۱)

#### ۲-۴. موضوع تدابیر تأمینی

با توجه به تعریفی که قانون‌گذار از تدابیر تأمینی ارائه نموده است، موضوع و متعلق تدابیر تأمینی صرفاً محکوم‌علیه نیست، بلکه شامل متهم نیز می‌شود. «متهم کسی است که تهمت متوجه او است و هنوز رسیدگی به جرم مورد تهمت شروع نشده و اگر شروع شده باشد، به رأیی لازم‌الاجرا پایان نیافته است. پس از صدور حکم قطعی در مورد اتهام و احراز بزه، او را مجرم گویند». (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۳۲۱۲) مطابق جز ۱۳ ماده ۴ قانون اجراءات جزایی (۱۳۹۳) متهم: «شخصی است که بنا بر ارزیابی دلایل اثبات جمع‌آوری شده هنگام تحقیق، به حیث مرتکب تشخیص و اتهام بر وی وارد گردیده باشد». «محکوم‌علیه شخصی است که محکمه ذی صلاح مطابق احکام قانون به ملزم بودن وی حکم نموده باشد»؛ یعنی محکوم‌علیه شخصی است که محکمه صلاحیت‌دار وی را به تحمیل مجازات یا تدابیر تأمینی ملزم نموده باشد. موضوع تدابیر تأمینی در قانون جزای سابق (فقره ۱ ماده ۱۲۱) صرفاً محکوم‌علیه بود و شامل متهم نمی‌شد. همان‌طور که بیان شد، قانون‌گذار در کد جزا، برخلاف قانون سابق، متعلق تدابیر تأمینی را علاوه بر محکوم‌علیه، شامل متهم نیز دانسته است. تعمیم دادن تدابیر تأمینی را در مورد متهم موافق با قواعد عمومی حقوق جزا است. بدین مفهوم که مراجع عدلی می‌توانند برای جلوگیری از فرار مظنون یا متهم و جمع‌آوری ادله و مدارک جرمی، تدابیر تأمینی را اتخاذ نمایند. چنانکه مطابق فقره ۳، ماده ۸۸، قانون اجراءات جزایی (۱۳۹۳)، به سارنوال صلاحیت اتخاذ برخی از



تدابیر احتیاطی در مورد متهم تفویض شده است. از جمله گرفتاری و تحت توقیف قرار دادن مرتکب جرم قبل از محاکمه توسط پلیس و سارنوالی به منظور جلوگیری از تکرار جرم یا وقوع حادثه ناگوار تا این که قضیه از جانب محکمه رسیدگی شود، خود از نوع تدابیر تأمینی است که قبل از صدور حکم محکمه طبق قانون از صلاحیت مراجع مزبور است؛ اما سؤال اساسی این است که قانون گذار از یک طرف اعمال تدابیر تأمینی را مقید به فیصله محکمه کرده است و غیر از محکمه هیچ نهادی حق اتخاذ تدابیر تأمینی را ندارد. از سوی دیگر تدابیر تأمینی را در مورد متهم نیز جاری دانسته است و مفهوم این تعمیم این است که سایر مراجع مانند پلیس و سارنوالی نیز حق اتخاذ تدابیر تأمینی را دارند. این دو حکم چگونه باهم جمع می شود؟ متهم همان گونه که تعریف شد مربوط به مرحله اتهام و قبل از صدور حکم محکمه است. بنابراین یا قانون گذار اخذ تدابیر تأمینی را مقید به حکم محکمه نمی کرد یا مانند قانون گذار سابق، متعلق تدابیر را صرفاً محکوم علیه می دانست.

تعمیم دادن تدابیر تأمینی را به متهم با تصریح حکم محکمه به تدابیر تأمینی سازگاری ندارد. البته این درست است که محکمه عالی ترین مرجع تصمیم گیری در رسیدگی به دوسیه ها و تطبیق احکام قوانین جزایی است؛ اما عملاً اگر اطفال مرتکب جرم شوند تا زمان رسیدگی به قضیه در محکمه، در مراکز اصلاح و تربیت نگهداری می شوند. همچنان مجنون مرتکب جرم که هنوز قضیه وی به محکمه راجع نشده است، در مراکز صحت عقلی و عصبی نگهداری شده و مورد معالجه و تداوی قرار داده می شود. همین طور، معتادان که مرتکب عمل مجرمانه گردیده اند، قبل از محاکمه به مرکز معالجه و درمان فرستاده می شوند که بعداً همین ایام سپری شده در مراکز صحتی، تربیتی و درمانی در مدت حبس و تدابیر تأمینی آنها قابل محاسبه است. بدین ترتیب، بهتر این بود که در ضمن تعیین و محدود نمودن قلمرو صلاحیت محاکم در زمینه اتخاذ تصمیم تدابیر تأمینی، حوزه صلاحیت سایر مراجع عدلی را نیز مشخص می نمود که پلیس، سارنوالی و مراجع دیگر نیز صلاحیت این امر را دارند که اشخاص دارای حالت خطرناک را تا بررسی و رسیدگی دوسیه آنها،



در مراکز یا مؤسسه‌های مختص به نگهداری و نظارت بفرستند و تدابیر تأمینی را در مورد آنان اتخاذ نمایند.

#### ۳-۴. اهداف تدابیر تأمینی

با توجه به تعریف که صورت گرفت، اتخاذ تدابیر با هدف اصلاح، تربیت، باز جامعه‌پذیری یا جلوگیری از تکرار جرم توسط شخصی است که وضعیت خطرناک از خود بروز داده است. این شخص فرق نمی‌کند در مرحله اتهام باشد یا توسط محکمه، محکوم شده و عنوان محکوم‌علیه را به خود گرفته باشد. هریک از اهداف ذکر شده به صورت مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد

الف. اصلاح یا تربیت متهم یا محکوم‌علیه: اصلاح به لحاظ لغوی، معانی متعدد و متنوعی دارد که عبارتند از به سامان آوردن، درست و راست کردن، التیام بخشیدن، سازش و آشتی دادن، دور کردن تباهی، رفع عیب و فساد، به صلاح آوردن، نیک و بهتر و استوار کردن. در زبان عربی، کلمه «اصلاحات» رایج بوده و واژه «التعدیلات» نیز به جای اصلاحات به کار می‌رود. راغب اصفهانی «اصلاح» را در برابر «افساد» قرار داده و این اوصاف را عموماً مختص اعمال و افعال انسانی دانسته است. اصلاح، گاهی نیز در برابر گناه آمده است. (راغب، ۱۳۹۲: ۹۲) تربیت در فرهنگ فارسی به معنای پرورش دادن، ادب و اخلاق را به یکی یاد دادن است. (عمید، ۱۳۷۵: ۲۳۴) برخی تربیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن که استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. با توجه به این هدف می‌توان گفت اقدامات تربیتی، تدابیری هستند در جهت اصلاح و تربیت مجرم که جنبه ارشادی، آموزشی و فرهنگی دارد که از این طریق راه برگشت مجرم به جامعه را تسهیل می‌کند». (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۴۵)

با توجه به مطالب که بیان شد، اصلاح و تربیت دو واژه مترادف است، ولی قانون‌گذار آن‌ها را دو مفهوم متفاوت دانسته است؛ زیرا مقرر کرده اصلاح و یا تربیت. به نظر می‌رسد که اصلاح ثمره و نتیجه تربیت باشد. اصلاح مجرم و تربیت آن، از مباحث مهم همه نظام‌های حقوقی است؛ یکی از روش‌های اصلاح و تربیت مجرم



اتخاذ تدابیر تأمینی است.

ب. انطباق با حیات اجتماعی: انطباق در لغت به معنای موافق، برابر شدن و به هم پیوستگی است. (دهخدا، ۱۳۷۲) در اصطلاح حقوق جزا انطباق اجتماعی به مفهوم سازگاری اجتماعی است و سازگاری اجتماعی عبارت است از توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه‌های اجتماعی به روش‌های که در عرف جامعه قابل قبول و ارزشمند باشد. انطباق اجتماعی آموزش عملی و فرایندی است که افراد را قادر می‌سازد تا رفتار دیگران را درک و پیش‌بینی کنند و رفتار خود را کنترل و تعاملات اجتماعی خود را تنظیم کنند. به عبارت دیگر سازگاری اجتماعی یک جریان و ویژگی است که بر اساس آن روابط و مناسبات اجتماعی افراد شکل گرفته و رضایت متقابل آنان فراهم می‌آید.

ج. جلوگیری از وقوع و تکرار جرم: سومین هدفی که در اقدامات تأمینی تعقیب می‌گردد، جلوگیری از وقوع و تکرار جرم است. با اتخاذ تدابیر تأمینی یا اصلاً جرمی واقع نشود یا اگر جرم به وقوع پیوسته است، دوباره تکرار نگردد. از باب مثال با اتخاذ تدابیری درمانی و مراقبتی در مورد افراد معتاد و مجانین، از وقوع جرم توسط آن‌ها جلوگیری به عمل می‌آید و با اِعمال تدابیر سلب‌کننده یا محدودکننده آزادی از وقوع جرم مجدد جلوگیری می‌شود.

### ۵. شرایط اجرای تدابیر تأمینی

قانون‌گذار در ماده ۱۸۵ به موارد و شرایط تطبیق تدابیر تأمینی پرداخته است. شرایط اجرای تدابیر تأمینی عبارت است از حکم محکمه، وقوع جرم، احراز حالت خطرناک و رعایت اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها: «ماده ۱۸۵:

الف. محکمه وقتی به تدابیر تأمینی پیش‌بینی شده این قانون حکم می‌نماید که ثابت گردد محکوم‌علیه مرتکب عملی گردیده است که به حکم قانون جرم شناخته شده و حالت متهم یا محکوم‌علیه، بر منافع و مصالح اجتماع، خطر پنداشته شود.  
ب. حالت متهم یا محکوم‌علیه وقتی علیه منافع و مصالح اجتماع خطر پنداشته

می‌شود که از رویه‌ی وی در حال و گذشته و یا از حالات و علل ارتکاب جرم، احتمال قوی وقوع جرم متصور باشد.

ج. محکمه مکلف است صرف در حالات و شرایط پیش‌بینی شده این قانون به تدابیر تأمینی حکم کند».

ماده ۱۸۵ کد جزا، با اندک تفاوتی عین ماده ۱۲۱ قانون جزای سابق است و هر دو در مقام بیان موارد اعمال تدابیر تأمینی است. تنها تفاوت در متعلق تدابیر تأمینی است. بدین معنا که بر اساس کد جزا تدابیر تأمینی هم شامل محکوم می‌شود و هم شامل متهم؛ اما بر اساس قانون جزای سابق تدابیر تأمینی محدود به محکوم‌علیه بود. شرایط اجرای تدابیر تأمینی وفق کد جزا قرار ذیل است:

#### ۵-۱. تصریح حکم محکمه

قانون‌گذار حکم به اتخاذ تدابیر تأمینی را جزء صلاحیت‌های محکمه دانسته است و غیر از محکمه صلاحیت‌دار هیچ نهادی اعم از پلیس و سارنوالی، حق اعمال تدابیر تأمینی را در مورد هیچ‌کس ندارد. شایسته بود که قانون‌گذار برای سایر نهادها مانند سارنوالی و پلیس تحت شرایط خاصی صلاحیت می‌داد تا در مورد افراد مظنون، متهم، مجنون، اطفال و معتادین، تدابیری را اتخاذ نمایند. همچنان که عملاً این تدابیر از سوی مراجع ذکر شده اعمال می‌گردد. این تدابیر هر چند عنوان تدابیر احتیاطی را دارد، ولی از نظر ماهیت با تدابیر تأمینی، تفاوتی ندارد؛ زیرا پلیس می‌تواند افراد مظنون به ارتکاب جرم و جنایت و جنبه را تحت نظارت قرار داده و آزادی وی را و لو به صورت محدود سلب نماید. هم‌چنین سارنوالی می‌تواند در شرایط خاص قرار توقیف مظنون یا متهم به ارتکاب جرم را صادر نماید یا کفالت بالمال اخذ کند. (قانون اجراءات جزایی، پیشین، مواد ۸۰ و ۹۹) سلب یا تحدید آزادی و نیز گرفتن ضمانت مالی از جنس و ماهیت تدابیر تأمینی است.

#### ۵-۲. اثبات مجرمیت

دومین شرط تطبیق تدابیر تأمینی این است که مجرمیت فرد متهم، برای محکمه به



اثبات برسد. بنابراین اگر شخص مرتکب جرم قانونی نشده یا اتهام به ارتکاب جرم، برای محکمه ثابت نشود، تدابیری تأمینی موردی نخواهد داشت. بنابراین دومین شرط قانونی برای اجرای تدابیر تأمینی این است که یک شخص مرتکب عمل جرمی گردیده و طبق قانون قابل مجازات باشد.

### ۵-۳. احراز حالت خطرناک

سومین شرط تطبیق تدابیر تأمینی این است که محرز گردد که وضعیت مجرم یا متهم نسبت به جامعه و امنیت عمومی خطرناک است. اصطلاح حالت خطرناک از اوایل قرن نوزدهم با پیشرفت روان پزشکی و نگهداری بیماران روانی برای مدت معین در بیمارستان‌ها متداول شد. در جرم‌شناسی بالینی (کلینیکی) حالت خطرناک، حالتی است که به اثر اقتران عوامل جرم‌زا (عوامل فردی - اجتماعی) و تأثیر آن در یک فرد معین او را به ارتکاب جرم می‌کشاند. (صلاحی، ۱۳۹۲: ۶۶) همچنان گفته شده است که حالت خطرناک، وسوسه احتمالی است که در فرد مجرم وجود دارد تا بدین ترتیب وی را به سوی ارتکاب جرم بکشاند. هرگاه با توجه به وضع روحی و جسمی مخصوص فرد مجرم، استنباط شود که با وجود اجرای مجازات معمولی نمی‌توان از دست زدن به اعمال مجرمانه خودداری کند، وی دارای حالت خطرناک است. جرم شناسان معمولاً دو معیار برای تشخیص حالت‌های خطرناک ارائه داده‌اند؛ یکی تعیین ضرر و زیان و خطری که از جانب مجرم ایجاد می‌شود که در اصطلاح جرم‌شناسی ظرفیت جنایی نامیده می‌شود و دیگری قدرت سازگاری اجتماعی و مخفی سازی که از آن به انطباق اجتماعی تعبیر می‌شود. (ر.ک. حکمت، بی تا: ۱۷۲)

در فقره دوم ماده ۱۸۵ کد جزا، معیار احراز حالت خطرناکی مجرم، این گونه بیان شده است: «حالت متهم یا محکوم علیه وقتی علیه منافع و مصالح اجتماع خطر پنداشته می‌شود که از رویه وی در حال و گذشته یا از حالات و علل ارتکاب جرم، احتمال قوی وقوع جرم متصور باشد». در این فقره، دو معیار برای تشخیص حالت خطرناک شخص مجرم در نظر گرفته شده است یکی، رویه یا رفتار پیش از وقوع جرم و رویه یا رفتار فعلی شخص مجرم دو، علل و سایر حالات تأثیرگذار بر



وقوع جرم ارتکاب یافته که در نهایت با بررسی این دو عنصر احتمال جدی و قوی وجود داشته باشد که شخص مرتکب جرم، مجدداً به ارتکاب جرم اقدام خواهد کرد. صلاحیت تشخیص و ارزیابی این معیارها، شخص قاضی محکمه ذی صلاح است. البته به منظور این که قاضی بتواند به چگونگی رویه پیش از ارتکاب جرم دست یابد و رویه فعلی شخص مرتکب جرم را کشف نماید تا با رویت آن حالت مخاطره آمیز او را تشخیص دهد، به وجود پرونده شخصیتی نیاز است. ترتیب و تهیه پرونده شخصیتی مرتکب جرم، بر عهده نهادهای کشف جرم (پلیس) و تحقیق (سارنوالی) است که در این زمینه قانون هیچ گونه مکلفیتی متوجه آنان نساخته است تا مراجع فوق الذکر ملزم باشند که ضم دوسیه جرمی، به تهیه پرونده شخصیتی نیز اقدام نمایند.

بنابراین با توجه به شرط سوم، در ضمن این که شخص مرتکب عمل مجرمانه شده، حالت وی علیه منافع و مصالح اجتماع خطر دانسته شود. مفهوم مخالف این است که هرگاه شخص مرتکب جرم، حالت خطرناک نداشته باشد، تدابیر تأمینی متوجه او نخواهد شد؛ اما مشکلی که به نظر می رسد این است که آن عده مجرمینی که مرتکب جرم نشده اند و محکوم علیه نیستند؛ اما حالتی دارند که علیه منافع و مصالح عامه خطرناک شمرده می شوند مانند مجانین، معتادین و ولگردها. به منظور مقابله با آنها برای حفاظت از جامعه چه باید کرد؟ آیا می توان آنها را مورد تطبیق تدابیر تأمینی قرار داد یا خیر؟

پاسخ این سؤال با در نظر داشت فقره ۱ ماده ۱۸۵ کد جزا منفی است تا زمانی که شخص مرتکب جرم نشود و حالت خطرناک نداشته باشد، نمی توان تدابیر تأمینی را نسبت به او اعمال نمود.

#### ۴-۵. رعایت اصل قانونی بودن

چهارمین شرط برای اجرای تدابیر تأمینی مطابق فقره سوم ماده ۱۸۵ کد جزا این است که قاضی محکمه صرفاً در چارچوب پیش بینی شده در کد جزا می تواند حکم به تدابیر تأمینی صادر نماید. پس موارد که در کد جزا به عنوان تدابیر تأمینی پیش بینی نشده است هر چند در سایر قوانین جزایی مندرج باشد، مورد حکم محکمه





قرار نخواهد گرفت؛ یعنی مستند حکم قاضی در صدور تدابیر تأمینی باید کد جزا باشد. بر این اساس، این تدابیر لزوماً باید توسط قانون تصریح شده و شرایط اعمال آن به دقت در قوانین مورد اشاره، قرار گرفته باشد. پس قاضی نمی‌تواند به بهانه حفظ جامعه، تأمین عدالت جزایی و کشف حالات خطرناک به حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان تعرض نماید.

### ۶. انواع تدابیر تأمینی

قانون‌گذار در ماده ۱۸۶ کد جزا به بیان انواع تدابیر تأمینی پرداخته است. برخی از تدابیر به اقدامات که آزادی را سلب یا محدود می‌نماید، مربوط می‌شود و برخی از تدابیر حقوق و امتیازات مرتکب جرم را سلب می‌کند و برخی از تدابیر به امور مالی و اقتصادی مربوط می‌شود: «ماده ۱۸۶: تدابیر تأمینی قرار ذیل است: تدابیر سلب‌کننده آزادی. ۲- تدابیر تحدید کننده آزادی. ۳- تدابیر سلب کننده حقوق. ۴- تدابیر مالی و اقتصادی.» ماده ۱۸۶ کد جزا عین ماده ۱۲۲ قانون جزای سابق است. هر دو ماده مصادیق و انواع تدابیر را بیان کرده است. تفاوت صرفاً در دو مورد است یکی در عنوان ترکیبی است که کد جزا تعبیر به تدابیر تأمینی کرده؛ اما قانون جزا تحت عنوان تدابیر امنیتی بحث کرده بود و دیگری در مورد تدابیر مالی است که کد جزا در کنار مالی عنوان اقتصادی را هم اضافه کرده است. توضیح هر یک از انواع تدابیر و قواعد حاکم بر آن، نیازمند بحث تفصیلی است که تدوین مقاله مستقلاً را ایجاب می‌کند.

### نتیجه‌گیری

اقدامات تأمینی و تربیتی یکی از واکنش‌های اجتماعی است که در کنار سایر جزاها در قوانین موضوعه بسیاری از کشورها به منظور تربیت، اصلاح و بازپروری مجرم و جلوگیری از تکرار جرائم پیش‌بینی شده است. هر چند رویکردهای متعدد در مورد موجودیت یا حذف اقدامات تأمینی مطرح شده است؛ اما رویکرد معتدل و رایج امروزی ضرورت اقدامات تأمینی با حفظ سایر مجازات است. اقدامات تأمینی



هرچند از نظر هدف، موضوع، زمان تطبیق، مسئولیت جزایی و بازنگری با مجازات تفاوت بنیادین دارد؛ اما از جهات (موضوع، مسبوق بودن بر وقوع جرم و ضررت به حکم محکمه) با مجازات شباهت دارد. قانون‌گذار افغانستان، اقدامات تأمینی را در قوانین موضوعه برای تربیت و اصلاح مجرم و انطباق وی با حیات اجتماعی و جلوگیری از تکرار جرم پیش‌بینی کرده است و با شرایط ویژه تطبیق آن را بر هر بزهکاری اعم از متهم و محکوم‌علیه لازم دانسته است. شرایط اعمال اقدامات تأمینی در حقوق جزای افغانستان عبارت است از احراز مجرمیت، وجود حالت خطرناک، رعایت اصل قانونی و تصریح حکم محکمه. قلمرو اقدامات تأمینی در حقوق جزای افغانستان وسیع است و این اقدامات، شامل تدابیر سلب‌کننده آزادی، تدابیر محدودکننده آزادی، تدابیر سلب‌کننده حقوق و تدابیر اقتصادی و مالی می‌گردد که با شرایط و وضعیت‌های خاصی قابل تطبیق خواهد بود.

## فهرست منابع

### کتابها

۱. ابو عامر، محمد ذکی، (۱۹۹۲ م)، قانون العقوبات (القسم العام)، بیروت: الدار الجامعیه.
۲. آنسل، مارک (۱۳۷۵)، دفاع اجتماعی، (ترجمه: دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. بابایی، محمد علی، (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی بالینی، تهران: نشر میزان.
۴. باهری، محمد (۱۳۸۰)، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: نشر مجد.
۵. پی نائل، ژان (۱۳۴۵)، جرم‌شناسی، (ترجمه: رضا علمی)، تهران: نشر امیر کبیر.
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
۷. حکمت، سعید، (بی تا)، روان پزشکی کیفری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۸)، سیری در تربیت اسلامی، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۹. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۲) لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۹۲)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالفکر.
۱۱. رهامی، محسن، (۱۳۹۲)، اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
۱۲. صالحی، جاوید، (۱۳۹۲)، کیفرشناسی و دیدگاه‌های جدید، تهران: میزان، چاپ سوم.
۱۳. علی‌آبادی، عبدالحسین، (۱۳۶۳)، موازین قضایی، تهران: حسینیه ارشاد.
۱۴. عمید، حسن، (۱۳۷۵)، فرهنگ عمید، تهران: نشر امیر کبیر.
۱۵. النبراوی، محمد سامی، (۱۹۹۵ م)، شرح الاحکام العامه لقانون العقوبات اللیبی، لیبی: جامعه وقار یونس.

### قوانین

۱۶. کد جزا، ۱۳۹۶.
۱۷. قانون اجراءات جزایی، ۱۳۹۳.



